برنامه سمت خدا

موضوع برنامه: هنر خوب زیستن

كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی

تاريخ پخش: 24-08-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

چشمان قدسی تو بهشت مؤکدند \*\*\* اعجاز جاودانه و امداد ممتدند

در هست و نیست واسطه‌ای بی نهایتند \*\*\* در شرق و غرب عشق به مستی زبانزدند

شبها به یاد خنده‌ی تو پر ستاره‌اند \*\*\* دلها به عادت صلواتت مقیدند

حتی ستارگان هم در اقتدا به تو \*\*\* با عاشقان مساعد و با فارغان بدند

سعدی درست گفته که انگار سهم ما \*\*\* یک عمر در هوای تماشای آن قَدند

از کوهسار رد شدی و هرچه جویبار \*\*\* هر بار دوستدار سجود مجددند

آری به چشم مستان ذرات کهکشان \*\*\* دلداده‌ی محمد و آل محمدند

شریعتی: سلام می‌کنم به همه دوستان عزیزم، بیننده‌ها و شنونده‌های نازنین‌مان، انشاءالله هرجا که هستید خدای متعال پشت و پناه شما باشد. انشاءالله در آستانه‌ی رحلت نبی مکرم اسلام، خاتم الانبیاء، پیامبر اعظم(ص) همه مشمول شفاعت و نگاه پدرانه و کریمانه حضرت شویم. حاج آقای لقمانی سلام علیکم و رحمة الله. خیلی خوش آمدید.

حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. این ایام را بسیار تسلیت عرض می‌کنم. انشاءالله سالم و سلامت و سعادتمند باشند.

شریعتی: می‌خواهیم یاد بگیریم که یک هنرمند خوب باشیم. هنرمندی که می‌تواند خوب زیستن را یاد بگیرد. بحث امروز شما را با دل و جان می‌شنویم.

حاج آقای لقمانی:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت \*\*\* نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

اگر آدمی به چشم است و دهان و گوش و بینی \*\*\* چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

به لطف خداوند فراز اول از سخنان پیامبر را پیش رو قرار دادیم و نکاتی را در مورد طعام و غذا بیان کردیم و گفتیم که طعام چه نقش سوزنده و سازنده‌ای دارد. ما باید سر منشاءها را پیدا کنیم و نوع طعامی که می‌خوریم طیب و طاهر باشد. فراز دوم را پیش رو قرار می‌دهیم که پیامبر فرمودند: «لا تشغل بلباسٍ آخره بلاء» صبح تا شب در فکر و ذکر لباسی نباش که پایانش پوسیدگی است. سعی نکن اسیر باشی، سعی کن امیر لباس باشی. ارزش تو به لباس نیست. اما جایگاه لباس در آموزه‌های دینی فوق العاده است. وقتی انسان مرور می‌کند می‌بینیم لباس چندین جایگاه دارد. اولاً ما هرکسی که با لباس خودش دیدیم هفت، هشت امتیاز ناخودآگاه می‌دهیم. در ماشین نشستیم یک نفر با یک لباس خاصی از خیابان رد می‌شود. جایگاه اجتماعی، تحصیلات، شأنیت، تمام اینها را، پزشک لباس مخصوص دارد، آتش نشان لباس مخصوص دارد. روحانی لباس مخصوص دارد. این لباس را چقدر امتیاز می‌دهیم. از لحاظ مسائل طبیعی و حفاظت از سرما و گرما، از نظر اجتماعی، عفاف و پاکدامنی، از نظر روانی شخصیت انسان، لذا تمام دوستان تجربه کردند گاهی لباس را اتو می‌کنیم و کفش را واکس می‌زنیم. لباس که تمیز است اعتماد به نفس خیلی خوبی داریم. چه بخواهیم و چه نخواهیم لباس تأثیر دارد. خداوند شلختگی و کثیف بودن را دوست ندارد. دوست دارد بنده‌اش تمیز باشد، آراسته باشد. مرتب باشد، آرایش کردن با آراسته بودن فرق دارد. چون با آرایش انسان می‌خواهد جذب قلوب کند. با آراسته بودن می‌خواهم بگویم انسان هستم، نه مذکر هستم و نه مؤنث هستم. خانم و آقا آراسته ظاهر شوند. طوری نباشد که قیافه زدگی داشته باشد. خداوند از کثیف بودن بدش می‌آید. «ان الله طيّب يحب الطّيب نظيف‏ يحبّ النّظافة» (صحيح ترمذي، ج 1، ص 240) «جميل‏ يحب‏ الجمال‏» دوست دارد آراستگی و زیبا بودن را، خداوند زیباست و زیبا بودن را هم دوست دارد. خداوند دوست دارد نعمتی که به بنده‌اش می‌دهد اثر نعمت را در زندگی ببیند. سؤال کردند اثرش چیست؟ فرمودند: 1- عطر زدن به خود. 2- لباسش آراسته باشد. 3- خانه‌اش تمیز و مرتب باشد. روایت هست که خانمی که مرتب چشم انداز منزل را عوض کند چقدر ثواب دارد. در بعضی منازل دیدید جای تلویزیون و میز 35 سال است تغییر نکرده است. بعضی‌ خانم‌ها اهل تغییر هستند. مبل‌ها را جا به جا می‌کند، پرده‌ها را مرتب می‌کند. خانمی که شب آقا می‌آید یک لیوان آب برای رضای خدا به دست شوهرش می‌دهد، برای جلب قلب همسر، می‌فرماید: ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد حضرت ابراهیم در نامه عملش نوشته می‌شود. آراسته بودن خانم برای شوهر و شوهر برای خانم چقدر خوب است.

از آن طرف کسانی که دوست دارند خیلی شیک باشند و تمام زندگی‌شان مد و لباس می‌شود. چند وقت قبل اعلام کردند: یک تی‌شرت هست که 300 میلیون تومان قیمت دارد. مگر چه بود؟ سبک و ساده است. یک دست لباس عروس در تهران 160 میلیون تومان قیمت دارد. عروس خانم یک شب بپوشد. روح و روان و شخصیت را اسیر می‌کند. یک روایت بخوانم برای عزیزانی که نگاهشان مذهبی و مثبت نیست. نزد صادق آل محمد آمد و گفت: یابن رسول الله اگر کسی دو دست لباس داشته باشد، اسراف است؟ امام فرمود: نه! آقا چهار دست لباس؟ حضرت فرمودند: نه اسراف نیست. شش دست لباس؟ نه. پانزده دست لباس؟ نه! پس اسراف چیست؟ امام فرمود: اسراف آن است که با لباسی که بیرون آبروداری می‌کنی کارهای خانه را انجام بدهی. از بین ببری و نابودش کنی. این آقا بخاطر شرایط شغلی‌اش دو تا کمد لباس دارد. استفاده می‌کند. اما وقتی که ماشینش خراب شد، همان لحظه با لباسی که دارد سر کار می‌رود، این اسراف است. لباس‌هایش را خوب نگه دارد و اسیر نباشد. در مهمانی قبل مرا با این لباس دیدند اما دیگر نمی‌بینند. گاهی مواقع انسان شصت سال اسیر لباس است. اسیر مد است. کلاس می‌گذارد که رفته بودم فلان جا دوازده میلیون تومان، سی درصد آف داشت. ولی یک آیه را امروز می‌خواهم ترجمه کنم، آیه بین المللی لباس است. سوره اعراف آیه 26 که خداوند متعال می‌فرماید: «يا بَنِي‏ آدَمَ‏ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً» برای شما لباس فرستادیم. «يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشاً وَ لِباسُ التَّقْوى‏ ذلِكَ خَيْرٌ» ما یک سلسله آیاتی داریم «یا ایها الذین آمنوا» یک عده از این دایره خارج می‌شوند. «ایها الناس» عموم مردم، یا داریم ای پرهیزگاران، افراد متقی، طبیعتاً یک عده خارج می‌شوند. اما این آیه می‌گوید: «يا بَنِي‏ آدَمَ‏» همه انسان‌ها فارغ از هر سواد و سلیقه، سن و تحصیلات، هرکسی در هر جایی، کل انسانیت و بشریت. «قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً» ما لباس را بر شما نازل کردیم. «إِنَّا أَنْزَلْناهُ‏ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر/1) ما قرآن را نازل کردیم. لباس مقدس است. لباس مبارک است. لباس خیر و خوبی برای انسانیت دارد. لذا خداوند می‌خواهد لباس بپوشد، شیطان کاری که با حضرت آدم کرد. لباس‌ها از بدن خارج شد. شیطان این است. کار لباس چیست؟ «يُوارِي سَوْآتِكُمْ» عیوب شما را می‌پوشاند. انسان شخصیت پیدا می‌کند. عظمت پیدا می‌کند و تو دل برو می‌شود. «وَ رِيشاً» ریش چیست؟ بال کبوتر است. آن چیزی که باعث پوشش حیوان می‌شود زینت است. هم جنبه طبیعی دارد و هم جنبه روانی و اجتماعی دارد.

کفتربازها وقتی می‌خواهند نگذارند کبوتر بپرد، بالش را می‌کنند. تا بالش را کندند، بازیچه می‌شود. شیطان دقیقاً کارش این است. لباس‌ها را کم و کم، افراد بازیچه می‌شوند. بازیچه طفلان خانه گردد آن مرغ که بی پر چو ماکیان است! ولی انسانی که پوشیده باشد عزت دارد، شخصیت دارد. عزیزان این نکته را خوب توجه کنید. امروزه حجاب فقط اعتقادی نیست. پوشش سیاسی است. فقط هم سیاسی نیست ستیز سیاسی است. یعنی چه؟ چند سال قبل در فرانسه جامعه مدنی در بوق و کرنا می‌کنند. اینجا همه آزاد هستند. هرطور می‌خواهند بیرون بیایند. هر فکر و فرهنگی داشته باشند. سه چهار تا دانش آموز دبیرستانی روسری سر کردند. تا با روسری رفتند سر و صدا بلند شد، هیأت دولت کشور فرانسه تشکیل جلسه فوق العاده داد. یعنی احساس خطر کردند. رشد اسلام خواهی در قلب اروپا، اجازه ندادند. مگر شما نمی‌گویید: جامعه مدنی؟ خوب بگذارید اینها اینطور بیایند. گفتند: نه! ما این شعار را برای کشورهای شرقی می‌گوییم. برای خودمان نه! اجازه نمی‌دهیم. وقتی صدر اعظم اسبق آلمان با وزیر خارجه وقت ایران گفتگو کرد، ایشان گفتند: شما چه دارید؟ در بحث بوسنی و هرزگوین، اجازه بدهید اینها هم این اعتقاد و این پوشش را، گفتند: نه ما سیاست این سرزمین سوخته را اجرا می‌کنیم. همه باید از بین بروند. محال است اجازه بدهیم اسلام و اسلام خواهی در اروپا شکل بگیرد. حجاب پرچ است. لذا چند جا هست که فرشتگان می‌خندند. یا اینکه فرشته‌ ایستاده و می‌بیند کسی که هزاران متر زمین کشاورزی دارد، با سر بیل مرز مشترک با همسایه را خراش می‌دهد. اینجا می‌خندد، می‌گوید: این همه زمین دستت بود. باید حتماً اینجا را تراش بدهی.

یک جای دیگر خانمی که از دنیا رفته، لب قبر محرم‌هایش بیایند، اینجا هم می‌خندند. می‌گویند: وقتی که این خانم خوش بر و رو بود و جاذبه داشت، یک نفر نگفت: محرم و نامحرم! هرطور خواست بیرون رفت. هرطور دلش خواست. حالا اینجا باید محرم باشی؟ حضرت علی(ع) فرمودند: «من أکل ما یشتهی» کسی که بخورد آنچه که اشتها دارد و دلش می‌خواهد، «وَ لَبِسَ‏ مَا يَشْتَهِى‏» بپوشد آنچه دلش می‌خواهد، «رَكِبَ مَا يَشْتَهِى» (بحارالانوار/ج74/ص144) سوار شود آنچه که دلش می‌خواهد. خداوند نظر رحمتش را برمی‌دارد تا بمیرد یا دست بردارد. دین ما این است. در حدود و مسائل شرعی انسان آزاد است و لذت ببرد تا از لب پرتگاه عقب بیاید. چون اینها مرز ندارد. اگر امروز با این مد است، فردا با یک مد بالاتر است. لذا می‌فرماید: کسانی که اسیر لباس می‌شوند باید به میل دیگران زندگی کنند. بعضی از جشنواره‌ها را ببینید گاهی طرف یک ماه خواب ندارد که چه بپوشم. اینها را بدبختی دلپذیر می‌گویند. اسیر لباس بودن است. «لا تشغل بلباس آخره بلاء» اسیر لباسی نباش که پایانش پوسیدگی است. به خودت برس که روح و شخصیت تو هیچوقت پوسیده نخواهد شد.

شریعتی: انشاءالله همه ما لباس تقوا بپوشیم که انشاءالله پشت سرش هم اتفاقات خوب خواهد افتاد. امروز صفحه 139 قرآن کریم، آیات 91 تا 94 سوره مبارکه انعام در سمت خدا تلاوت می‌شود. ثواب این تلاوت را هدیه به روح بلند پیامبر اعظم، پیامبر مهربانی‌ها کنیم.

«وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلى‏ بَشَرٍ مِنْ شَيْ‏ءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذِي جاءَ بِهِ مُوسى‏ نُوراً وَ هُدىً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ «91» وَ هذا كِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى‏ وَ مَنْ حَوْلَها وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلى‏ صَلاتِهِمْ يُحافِظُونَ «92» وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى‏ عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ قالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَ لَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْ‏ءٌ وَ مَنْ قالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَوْ تَرى‏ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَراتِ الْمَوْتِ وَ الْمَلائِكَةُ باسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذابَ الْهُونِ بِما كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَ كُنْتُمْ عَنْ آياتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ «93» وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادى‏ كَما خَلَقْناكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَكْتُمْ ما خَوَّلْناكُمْ وَراءَ ظُهُورِكُمْ وَ ما نَرى‏ مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ ما كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ «94»

ترجمه: خداوند را آنگونه كه شايسته‏ى اوست نشناختند، چرا كه گفتند: خداوند بر هيچ بشرى، چيزى نازل نكرده است. بگو: كتابى را كه موسى آورد و نور و هدايت براى مردم بود، چه كسى نازل كرد؟ كتابى كه آن را ورق ورق كرده (و به دلخواه خود) بخشى را آشكار و بسيارى را پنهان مى‏سازيد، و آنچه را شما و پدرانتان نمى‏دانستيد، (از طريق همان كتاب آسمانى تورات،) به شما آموخته شد. (اى پيامبر!) بگو: خدا (بود كه آنها را نازل كرد)، سپس رهايشان كن تا در ياوه‏گويى‏هاى خود غوطه‏ور باشند. و اين مبارك كتابى است كه نازل كرده‏ايم، تصديق كننده آنچه (از كتب آسمانى) كه پيش از آن آمده است، (تا مردم را به پاداش‏هاى الهى مژده دهى) و اهل مكّه و كسانى را كه اطراف آن هستند هشدار دهى و (البتّه) آنان كه به آخرت ايمان دارند به آن (قرآن) نيز ايمان خواهند آورد و همانها بر نمازهاى خود محافظت دارند. و كيست ظالم‏تر از آنكه بر خدا دروغى بست و يا گفت: به من وحى شده، در حالى كه چيزى به او وحى نشده است. و نيز آن كس كه گفت: به زودى من هم مثل آنچه خدا نازل كرده نازل مى‏كنم. و (اى پيامبر!) اگر ببينى زمانى را كه ستمگران در سكرات مرگ قرار گرفته و فرشتگان (براى قبض روح آنان) دست‏هاى (قدرت) خويش را گشوده و فرمان جان دادن مى‏دهند (و مى‏گويند:) امروز به خاطر نسبت‏هاى ناروا كه به خداوند مى‏داديد و از آيات او سرپيچى مى‏كرديد، به عذاب خواركننده كيفر داده خواهيد شد. به راستى همان گونه كه نخستين بار شما را آفريديم، اكنون نيز (به هنگام مرگ يا قيامت) تك و تنها نزد ما آمديد و همه‏ى اموالى را كه به شما داديم پشت سر گذاشتيد و آن شفيعانى را كه در (تعيين سرنوشت) خودتان شريكان خدا مى‏پنداشتيد، همراه شما نمى‏بينيم. به راستى (پيوندهاى) ميان شما گسسته و آنچه (از شريكان و شفيعان كه به نفع خود) مى‏پنداشتيد از (دست) شما رفت.

شریعتی: از همین‌جا به حضرت رضا(ع) سلام می‌کنیم. انشاءالله زیارت مشهد نصیب همه شما شود. این هفته یاد کردیم از خطیب توانا، محقق ارجمند حضرت آیت الله شیخ ذبیح الله محلاتی یاد می‌کنیم صاحب کتاب بسیار ارزشمند «ریاحین الشریعه» که به شرح دانشمندان بانوی شیعه پرداخته و بانوانی که در شیعه نامدار بودند و تلاش‌های فراوانی در تحکیم علم و اعتقاد مردم این مرز و بوم کردند. جلد اول این کتاب را اختصاص به حضرت زهرا(س) داده است. اشاره قرآنی را بفرمایید.

حاج آقای لقمانی: آیه 92 سوره مبارکه انعام را انتخاب کردم، «وَ هذا كِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ» بحث برکت در زندگی، یک بحث بسیار ضروری است. گاهی کثرت هست و گاهی برکت هست. گاهی زیادی هست و گاهی مقداری هم که هست استمرار دارد. چرا برکت می‌گویند؟ چند تا ریشه گفتند، جایی که شتر می‌نشیند تا بلند شود اثرش هست. بَرَک، ماندگاری، دوام و بقاء. گاهی هم از برکه می‌گویند، جایی که آب همیشه هست. جریان دارد، در جشن‌ها، در عقدها، در مراسم دیده‌اید که می‌گویند: مبارک باشد. تبریک می‌گویند. «فَتَبارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ‏ الْخالِقِينَ‏» (مؤمنون/14) برکت، گاهی مواقع وجود یک نفر طول عمر ندارد ولی عرض عمر دارد. چشم برکت دارد، زبان برکت دارد. گوش برکت دارد. تا انسان حساب می‌کند می‌بیند از دنیا رفته است، این شخص از شمار دو چشم یک تن کم و از شمار خرد هزاران بیش! پیامبر فرمودند: ابوطالب یک امت برای من بود.

یک آیه در قرآن هست چه کار کنیم بتوانیم صاحب برکت باشیم؟ همینطور که حضرت عیسی(ع) فرمودند: «وَ جَعَلَنِي مُبارَكاً أَيْنَ ما كُنْتُ» (مریم/31) خداوند مرا مبارک قرار داده هرجایی که هستم. امام صادق فرمودند: بعضی وجودشان بسیار نفع رسان هستند. علاقه دارد خدمت کند. «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ‏ الْقُرى‏ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا» (اعراف/96) اگر افراد ایمان بیاورند و تقوا داشته باشند، «لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ» ایمان و تقوا داشته باشند، ما درهای آستان را برایشان باز می‌کنیم، برکات برایشان نازل می‌کنیم. چقدر آیه داریم که انسان وجود نافع و مفیدی داشته باشد. چه چیزهایی باعث برکت در زندگی انسان می‌شود. سلسله عواملی هست که من یادداشت کردم.

یکی از چیزهایی که باعث برکت می‌شود، مال حلال است. مال حرام باعث بی برکتی می‌شود. بعضی عمرشان همینطور است. دلهای بعضی را که باز می‌کنند، «وَ أَفْئِدَتُهُمْ‏ هَواءٌ» (ابراهیم/43) شصت سال، هفتاد سال، قلب را فؤاد می‌گویند، محل فایده ولی تا درش را باز می‌کنند پر از هواست. چه چیزهایی یاد گرفته است؟ قد فلان دروازه، اندازه پایش چه بوده است. شماره پیراهنش چه بوده است. صبح تا شب دیدید بعضی درگیر رینگ ماشین هستند. بعضی هستند روزی یک بیت شعر حفظ می‌کنند. روزی یک آیه کوچک حفظ می‌کنند. روزی 160 مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می‌فرستد. حرف زدنش نصیحت و مهربانی است. خشم و شهوت و غضب نیست. حقوق واجب مالی را دادند باعث برکت در زندگی می‌شود. مثل همان کاشت و داشت و برداشت است. شاخ و برگ‌های اضافی را می‌زند ولی از این بیشتر رشد پیدا می‌کند. «يَمْحَقُ‏ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ» (بقره/276) خداوند روزی زیاد را برای ربا خوار از بین می‌برد ولی صدقات باعث رشد می‌شود. گاهی یک خرما صدقه دادن مثل کوه احد برای انسان می‌شود.

یکی دیگر از چیزها این است که فحش دادن و بد زبانی بی برکتی می‌آورد. انسان به زبان نرم عادت کند. عزیزم! بفرمایید. امر بفرمایید! بعضی هستند در خانواده می‌گویند: خانم جان! یک نفر می‌گفت: پدرم هر روز مادرم را با خانم جان صدا می‌کرد و می‌گفت: بلند شوید و نماز صبح اول وقت بخوانید. گفت: من هم الآن یاد گرفتم به خانم خودم هم می‌گویم. فاطمه خانم، عزیزم! آقا محمد! زیبا حرف زدن نشانه این است که انسان فکر خوب دارد و به زندگی برکت می‌دهد.

یکی دیگر از چیزها ترک نماز جمعه است که باعث بی برکتی می‌شود. حتماً شما تجربه دارید انسان گاهی توفیق پیدا می‌کند نماز جمعه برود تا برگردد احساس سبکی و شیدایی دارد. در روایت داریم کسی که قصد می‌کند نماز جمعه برود هفتاد هزار فرشته او را همراهی می‌کنند. قبل از اینکه امام جمعه نماز را شروع کند و بعد از خطبه‌ها بلند شود دست به طرف آسمان دراز کند دعایش مستجاب است. بنده تجربه کردم. تا نماز جمعه تمام شود گناهان بخشیده می‌شود. اینها غیر از حق الناس است. تو نیم ساعت برای ما وقت گذاشتی ما هم عمرت را با برکت می‌کنیم. زندگی تو را با برکت می‌کنیم. گاهی یک جرقه‌های نورانی به ذهن زده می‌شود. الهام‌های قلبی! «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَبْدٍ خَيْراً» پیامبر فرمودند: وقتی خدا تمام خوبی‌ها را برای یک نفر بخواهد، یک کار خیر را در کامش مثل عسل شیرین می‌کند.

یکی دیگر از چیزهایی که باعث برکت می‌شود صداقت است. از آن طرف تزویر و ریا بد است. بی برکتی می‌آورد. کسانی که می‌خواهند خودشان را در دل همه جا کنند، هرچه می‌دود به جایی نمی‌رسد. یک داستان زیبایی بگویم که در زندگی خودم خیلی تأثیر داشت. یکی از آدم‌های صاحب نفس می‌گفت و داستانش خیلی مؤثر است. ایشان گفتند: یکی از افرادی که سارق بودند، سر گردنه دارایی افراد را می‌گرفتند. بیرون شهر به یک خرابه تکیه دادند. اسب سواری آمد از شهر خارج شود. رئیس اینها به اطرافیان گفت: این را ببینید. من تا به حال چهار بار اسبش را دزدیدم. ولی با این حال هنوز او سوار هست و من پیاده هستم! چقدر زیباست. گاهی ما فکر می‌کنیم حساب جاری ما پر باشد، زندگی ما شیک باشد، نهایت خوشی است. برکت مهم است. گاهی در زندگی بعضی همیشه پیاده هستند و دنبال آرامش هستند.

امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: خداوند به کسانی که به گناهان خودشان ادامه می‌دهند، تاریک الصلاة است. برایشان مهم نیست. در مال اصلاً مراعات نمی‌کند. اشاره کردیم پوشش هدیه خداوند است. این هدیه را نمی‌گیرد. خداوند این پوشش را هدیه داده است. یکبار چشم بگو ببین خدا چند بار چشم می‌گوید. متانت و وقار داشته باش ببین چه می‌شود. طول سیئات گفته می‌شود یا اثیم، مرتب گناه می‌کند. خداوند کسانی که به گناهانشان ادامه می‌دهند به این بلا دچار می‌کند. 1- نقص الثمرات، درآمد کم می‌شود. هرچه می‌دود به جایی نمی‌رسد. چون اهل گناه است. دیو چو بیرون رود فرشته درآید! نور و ظلمت با هم جمع هستند. در زندگی وسایلی دارد صبح تا شب گناه، چشم، دل، وجود تیره و تار، اصلاً فرشته‌ها وارد نمی‌شوند که رحمت بیاورند. 2-  حبس برکات؛ خدا نکند در یک زندگی برکت نباشد. یک زندگی خشک و بی حاصل می‌شود. 3- قفل شدن خزائن خیرات. اصلاً ذهنش سراغ کار خیر نمی‌رود. دلش متمایل نمی‌شود. تا بحث اربعین پیش می‌آید می‌گوید: این چه کاریه؟ یک جا روضه خوانی است نق می‌زند. برای نظام مشکلی پیش بیاید قند در دلش آب می‌شود. گناهان تیرگی و ظلمت می‌آورد.

یک داستانی تقدیم به عزیزان جوان کنم. در مسجد الحرام کاروان دانشجویی پسران، بعد از نماز مغرب یکی از عزیزان دانشجو گفت: حاج آقا یک کاری با شما دارم. گفت: خصوصی است. گفت: شما در کاروان گفتید: بروید پرده کعبه را بگیرید. مقابل در کعبه مستجار هست. خودتان را به پرده کعبه آویزان کنید. من آمدم با زحمت جمعیت را شکافتم و خودم را آویزان کردم. می‌گویم: یا الله! عکس‌هایی که در سی‌دی دیدم. فیلمی که در سایت دیدم، آنهایی در ذهنم می‌آید. بغل دستی من یک کشاورز است، نه واحدی پاس کرده و نه دانشگاه رفته، یک کارمند عادی است، چه حال خوشی دارد و همینطور اشک می‌ریزد. من چه کار کنم؟ گفتم: عزیزم گناه ذنب است. ذَنب یعنی دُم، یک نگاه بکن، نگاه می‌کنی و سالها رهایت نمی‌کند. در قنوت نماز و سجده و رکوع می‌آید. عصیان یعنی معصیت و سرکشی. گفتم: عزیزم ذنب یعنی گناه و باید آرام آرام از این جدا شوی. دل که روشن شد اشک می‌آید. برکات، خدا نکند بخاطر طول سیئات استمرار گناهان از آن طرف باب خیرات در وجود انسان بسته می‌شود اصلاً به ذهنش خطور نکند. یک زندگی جامد و خشک و بی روح عین قبر، تنها و تاریک، تنفس ندارد. وحشت دارد و بعد از دنیا می‌رود. «نَوِّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ»‏ (كافي، ج 2، ص 610) خانه‌ها و دلهایتان را نورانی کنید تا نور به سراغ شما بیاید. نور می‌گویید و نور می‌شنوید و نور خواهید بود.

شریعتی: بهترین‌ها را برای شما آرزو می‌کنم. انشاءالله خداوند به وقت و نسل ما برکت بدهد و همه زندگی‌ها سرشار از آرامش باشد. دعا بفرمایید و آمین بگوییم.

خدایا به حق محمد و آل محمد و به حق این ایام و به حق رسول خدا، اخلاق محمدی نصیب همه ما بگردان. محبت حسنی نصیب همه ما بگردان. نسلی امام رضایی نصیب ما بگردان. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

شریعتی: خداوند فرمود: پیامبر باید شفاعت شما را بکند و استغفار کند. ما از زمان پیغمبر عقب افتادیم و حالا تمام امید ما به شفاعت حضرت محمد و اهل‌بیت گرانقدرشان است. انشاءالله خداوند دست ما را از دامن نبی مکرم اسلام کوتاه نکند. سلام می‌کنیم به حضرت رسول و دلهایمان را راهی مدینه النبی می‌کنیم. السلام علیک یا رسول الله!